

متن پرسش

سلام و عرض ادب: استاد بنده طبله هستم و یک مسئله ایی در زندگی برایم اتفاق افتاده که از شما راهنمایی می‌خواهم. استاد بنده در یک تضادی واقع شدم به این صورت که در هر موضوعی که به آن مشغول می‌شوم می‌دانم سرانجامش پوچ هست یعنی اکثر مسائل برایم پوچ هست و می‌دانم در انتها هیچ ندارد اما در عین اینکه می‌دانم این مسائل پوچ هستن اما به آن ها نیاز دارم از کوچک ترین مسائل مثل امور روزمره حتی محبت و عاطفه از دیگران تا بزرگ ترین مثل علوم مختلف یا اهداف متفاوت هر کدام را که انجام میدم یا نگاه می‌کنم می‌دانم پوچ هست از طرفی به این گونه مسائل نیاز دارم به عنوان مثال عاطفه از سمت خانواده در نظرم پوچ هست به این معنی که همیشه بهش دل بست چون محدوده اما به آن نیاز دارم یا اموری دیگر که پوچ هستن اما به آن ها نیاز دارم و هنوز هم نتوانستم از این موقعیت خارج شوم یعنی در دوگانگی هستم. با کتب معرفت نفس شما هم آشنایی دارم و دیده ام دیگران را به این سمت سوق دادین ولی نتوانسته به صورت حضوری آن را در زندگی پیاده کنم خواهشمندم راهنمایی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال از طریق «معرفت نفس» می‌توان متوجه حضوری شد که از اکنون تا ابدیت در آن حل‌ضریم و این حضور را باید با اُنس با حقیقت بخصوص با تدبّر در قرآن زنده نگه داشت و در نسبت با آن حضور وظایفی نسبت به خود و به اطرافیان خود برایش پیش می‌آید که در جای خود معنابخش خواهد بود. موفق باشید